

مطالعه عوامل فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر خرم آباد

اسماعیل حسنونند^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۰

از صفحه ۱۱۹ تا ۱۴۲

بزه‌شناسی جغرافیای انتظامی
سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵

چکیده

امنیت اجتماعی سازه‌ای پیچیده و چندبعدی است که جامعه انسانی همواره بدان نیاز داشته است. احساس امنیت اجتماعی بعد ذهنی امنیت اجتماعی را شکل می‌دهد و به اعتقاد برخی اندیشمندان دارای اهمیت بیشتری نسبت به بعد عینی امنیت است. در این پژوهش به دنبال مطالعه عوامل فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر خرم‌آباد هستیم. جمعیت آماری این پژوهش تمامی افراد بالای ۱۵ سال شهر خرم‌آباد و حجم نمونه آماری آن برابر با ۳۸۴ نفر می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای بوده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که میزان احساس امنیت کمی بیش از حد متوسط است و دینداری، سرمایه فرهنگی و رسانه‌های جمعی بر متغیر احساس امنیت اجتماعی در این شهر مؤثر هستند.

کلید واژه‌ها: احساس امنیت اجتماعی، دینداری، رسانه‌های جمعی، سرمایه فرهنگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امنیت واژه‌ای پیچیده و به لحاظ کاربرد از گستردگی وسیعی برخوردار است. از درونی‌ترین افکار و احساسات بشری گرفته تا مهم‌ترین مسائل بین دولت‌ها دربرگیرنده مفهوم امنیت است. از آن هنگام که انسان برای بقا و تأمین معاش خود با وسایل ابتدایی و دست‌ساز به مقابله با عوامل طبیعی پرداخت تا اکنون که به دنبال عصر صنعتی‌شدن سرعت و تکنولوژی رؤیای برتری بر هموعان و جهان پیرامون خود را از طریق وسایل پیشرفته نظامی و اتمی در سر می‌پروراند امنیت چه در بعد روانی آن و چه در بعد فیزیکی همواره یکی از دغدغه‌های همیشگی او بوده‌است. حوادث پس از جنگ سرد، فروپاشی کمونیسم و جنگ جهانی دوم و غالب‌شدن ادبیات و رویکرد آمریکایی در حوزه علوم سیاسی و استراتژیک جهان، مفهوم امنیت ملی^۱ را در ادبیات سیاسی اکثر کشورهای جهان وارد کرد. متناسب با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی در عصر مدرنیته و خارج‌شدن این روابط از حالت‌های ساده اولیه، که جنبه فیزیکی و محسوس داشت، عوامل پنهان و غیرفیزیکی امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روزبه‌روز اهمیت بیشتری پیدا کرد. به همین دلیل مقوله امنیت اجتماعی، که مهم‌ترین مؤلفه تشکیل‌دهنده امنیت ملی است، در سال‌های اخیر در سطح ملی و بین‌المللی مورد توجه جدی قرار گرفته است. به اعتقاد بوزان اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است ناشی از این حقیقت است که افراد در محیط انسانی به‌سر می‌برند و این محیط موجد انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. تهدیدات موجود در جامعه به اشکال بسیار متنوعی رخ می‌دهد ولی اصولاً سه نوع هستند: تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ) تهدیدات اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، عدم دسترسی به کار یا منابع)، تهدیدات نسبت به حقوق (زندانی‌شدن، از بین رفتن آزادی‌های عادی مدنی) همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت (تنزل رتبه، تحقیر در انظار عامه). غالباً این تهدیدات با هم همبستگی دارند یعنی وقوع یکی از آنها ممکن است به بروز عواقبی در دیگری منجر شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴).

1- National Security.

بوزان معتقد است که امنیت دارای ۲ بعد است. بعد عینی (حفاظت در برابر خطر) و امنیت ذهنی (احساس ایمنی) (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۳). به واسطه تغییراتی که پس از جنگ جهانی دوم بر جوامع حاکم‌شد مشخص شد که بعد ذهنی امنیت (احساس امنیت) اهمیت غیرقابل انکاری پیدا کرده است چراکه این احساس ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است و فقط به شاخص‌های امنیت قابل تفکیک نیست. توجه‌نکردن به مقوله احساس امنیت اجتماعی خسارت‌های زیادی را به بار خواهد آورد. احساس ناامنی در جامعه موجب کاهش سطح بهداشت روانی شده و تحقق این ناامنی سلب اعتماد اجتماعی را پدیدمی‌آورد. در چنین شرایطی جامعه دچار گسست‌هایی در شبکه روابط اجتماعی می‌شود. در واقع، احساس ناامنی باعث به وجود آمدن تنش، اضطراب، بی‌قراری و حتی بیماری‌های روانی خواهد شد. فقدان احساس ناامنی در جامعه باعث می‌شود که افراد از حوزه عمومی کناره‌گیری کرده و زندگی و فعالیت‌های خود را در ترس و انزوا ادامه دهند. بدون شک در چنین شرایطی امکان تحقق آرمان‌ها و اهداف و تحولات مثبت جامعه محقق نشده و رشد و اعتدالی آن از حد یک برنامه‌ریزی فراتر نخواهد رفت. اما تحقق امنیت ذهنی، که در واقع بعد روانی امنیت را نظاره‌گر است، می‌تواند بستر پیشرفت و توسعه جامعه باشد و آن را به سمت جامعه‌ای بهتر سوق دهد. با وجود احساس امنیت فرد از زندگی در محیط اجتماعی خود هراسان و نگران نبوده و در تعامل با محیط اجتماعی از سوی دیگران احساس آرامش خواهد کرد. وجود احساس امنیت در جامعه منجر به تربیت شخصیت‌های سالم اجتماعی می‌شود. شخصیت‌هایی که در آن روح جمع‌گرایی تقویت شده است. یکی از عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی عوامل فرهنگی است. فرهنگ و عوامل فرهنگی قسمی از سنت و ارزش‌های یک جامعه محسوب می‌شود که ریشه‌ای بس کهن و سترگ دارد و عوامل مادی و غیرمادی یک جامعه را دربرمی‌گیرد. اهمیت این عوامل در جوامع سنتی بسیار حیاتی است. در این پژوهش به دنبال مطالعه عوامل فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر خرم‌آباد هستیم. در واقع، پرسش اصلی این پژوهش آن است که عوامل فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر خرم‌آباد کدامند؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

مفهوم امنیت به تدریج با توسعه بیشتری تحول یافته و دارای ابعاد تازه‌ای شده است به گونه‌ای که امروز امنیت را در توسعه و نه اسلحه داغ سراغ می‌گیرند یعنی به جای تأکید انحصاری بر امنیت داخلی به تأکید بیشتر بر امنیت مردم و به جای امنیت نظامی به امنیت در ادامه توسعه انسانی باید پرداخت (مؤذن جامی، ۱۳۸۴: ۱۱۱). اهمیت مفهوم امنیت بر کسی پوشیده نیست. برای مثال، در رابطه با نقش امنیت در توسعه اقتصادی هر جامعه می‌توان گفت بدون وجود امنیت در ابعاد مختلف آن هیچ سرمایه‌گذاری جدیدی اعم از داخلی و خارجی در کشور صورت نخواهد گرفت یا انجام این سرمایه‌گذاری‌ها بسیار اندک خواهد بود و جامعه دستخوش نابسامانی‌های اقتصادی مانند گسترش اقتصاد دلالی، فرار سرمایه‌ها، کاهش اشتغال، افزایش بیکاری و انواع معضلات اقتصادی خواهد شد. برعکس، با وجود امنیت اقتصادی در یک جامعه شاهد جذب سرمایه‌ها، رونق اقتصادی، افزایش اشتغال، کاهش بیکاری و افزایش تولید خواهیم بود.

امنیت برای تمامی نظام‌های سیاسی و شهروندان، صرف‌نظر از سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی، نوع جهان‌بینی^۱ مهم‌ترین و بااولویت‌ترین مسئله به‌شمار می‌آید. بی‌تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و نیز شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نخواهد بود و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان‌پذیر نیست. اصولاً پژوهشگران معتقدند که انسان برای رسیدن به یک درجه موفقیت در زندگی و برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی، که اساس موجودیتش را تشکیل می‌دهد، نیاز به امنیت و احساس امنیت دارد. در واقع، احساس امنیت امروزه اهمیتی برتر نسبت به خود امنیت و بعد عینی آن پیدا کرده است. همچنان‌که بسیاری از اندیشمندان معتقد هستند که احساس امنیت است که انسان را به سوی اهداف رهسپار می‌کند نه خود امنیت. از این رو، مقوله‌ای این چنین مهم جدای از افزایش تعاملات بین افراد جوامع می‌تواند عاملی در جهت توسعه و پیشرفت مملکت باشد.

1- Ideology.

پیشینه پژوهش

موحد و همت (۱۳۹۲) در پژوهش خود به مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر شیراز پرداخته‌اند. پژوهش یادشده با رویکرد کمی و روش پیمایش با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام شده است. جمعیت آماری این پژوهش شامل تمامی زنان شهر شیراز است. حجم نمونه این پژوهش براساس جدول لین ۶۰۰ نفر برآورد شده است. شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای بوده و داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل عامل تحلیل شده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای نگرش به حجاب، عزت‌نفس، وسایل ارتباط جمعی، دینداری اعتقادی، پیامدی و مناسکی، سرمایه فرهنگی-آموزشی، فرهنگی-گردشگری و فرهنگی-اجتماعی با متغیر احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. متغیرهای مستقل این پژوهش در مجموع ۱۷٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

مختاری و همکاران (۱۳۹۰) با روش پیمایشی به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان‌داد تفاوت معناداری میان افراد جوان و افراد مسن، افراد مجرد و متأهل و میان لرها و سایر اقوام در رابطه با احساس امنیت اجتماعی وجود دارد. از طرف دیگر، رابطه مستقیم و معناداری بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان دینداری، نگرش به عملکرد پلیس و میزان احساس امنیت اجتماعی دیده می‌شود.

نجیبی ربیعی (۱۳۸۴) در پژوهش «بررسی عوامل مؤثر بر میزان احساس امنیت با تأکید بر سرمایه»، که به شیوه پیمایش و در سطح شهر تهران انجام شده است، در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که مردم چقدر احساس امنیت دارند و عوامل مؤثر بر میزان این احساس کدامند؟ به همین دلیل متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. حجم نمونه ۳۸۵ نفر در نظر گرفته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دو سوم از افراد در حد متوسطی احساس امنیت دارند. افرادی که سرمایه اجتماعی بیشتری دارند بیشتر احساس امنیت می‌کنند. همچنین، افرادی که سرمایه فرهنگی یا اقتصادی بیشتری دارند احساس امنیت کمتری دارند. به عبارت دیگر، در میان اقشار نخبه جامعه

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵)

و صاحبان سرمایه اقتصادی احساس امنیت کمتر است. در مجموع، به نظر می‌رسد طبق یافته‌های این پژوهش وجود و گسترش سرمایه اجتماعی در کلیت جامعه آثار مثبتی در پی دارد که یکی از آنها افزایش امنیت است. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش به نظر می‌رسد ناامنی در ابعاد جانی و مالی مشکل عمده شهروندان است.

افشانی و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی به مطالعه نقش دینداری در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد پرداخته‌اند. این پژوهش با روش کمی و تکنیک پیمایش انجام شده است. نمونه آماری این پژوهش ۲۴۶ نفر از ساکنان شهر یزد بوده که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب انتخاب شده‌اند. احساس امنیت اجتماعی با ابعادی چون جانی، مالی، اقتصادی، شغلی، اخلاقی، فرهنگی، عاطفی، احساسی، فکری، حقوقی، قضایی، ناموسی و دینداری با ابعادی نظیر فکری، اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی سنجیده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین ابعاد فکری، مناسکی، اعتقادی، عاطفی و پیامدی با احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و میزان تأثیر متغیر دینداری بر احساس امنیت اجتماعی ۰/۳۸ بوده است.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش یک چارچوب تلفیقی است. مولار (به نقل از نویدنیا، ۱۳۸۲: ۵۷) در پاسخ به پرسش امنیت برای چه کسی و در برابر چه چیزی؟ امنیت را به سه شکل امنیت ملی، امنیت انسانی و امنیت اجتماعی تقسیم می‌کند. از نظر او در امنیت ملی مرجع امنیت دولت است و تهدیداتی که حاکمیت و قلمرو سرزمینی آن را با خطر مواجه می‌سازد تهدید امنیتی است. در امنیت انسانی مرجع امنیت فرد است و هر چیزی که بقای افراد را با خطر مواجه می‌سازد یک تهدید امنیتی است. در پایان، او امنیت اجتماعی را نیز آن شکل از امنیت می‌داند که مرجع آن گروه‌های اجتماعی است. مولار امنیت اجتماعی را مفهومی فرضی می‌داند که می‌تواند برای هر جمع انسانی به‌کار رود. از نظر وی امنیت اجتماعی «قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمن‌ها، مذهب، هویت ملی و رسوم» است (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۱).

بوزان نقش قابل توجهی در ایجاد و گسترش مفهوم امنیت اجتماعی داشته است. او در دو اثر تأثیرگذار خود برداشت سنتی از مقوله امنیت را به نقد کشید. بنابر استدلال او

در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» عواملی که اجتماعات انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند از بخش‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌آیند. بر این اساس، امنیت اجتماعی شامل «پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت ملی و سنن در شرایط قابل پذیرش برای تکامل» می‌شود. بوزان در کتاب بعدی خود «امنیت: چارچوبی نو برای تحلیل» با کمک جمعی از همکارانش به گسترش نظریه خود پرداخت (موتیمر، ۲۰۰۹: ۱۲۸). در واقع، امنیت اجتماعی از نظر بوزان «به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع دارد که افراد خودشان را به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر، معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد» (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۴). بوزان ممنوعیت به‌کارگیری زبان، نام‌ها و لباس‌ها از طریق بستن مکان‌های آموزشی و دینی و یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع را از جمله عواملی می‌داند که امنیت اجتماعی را تهدید می‌نماید (نقل از روی، ۱۳۸۲: ۶۹۴).

دورکیم در حوزه اجتماعی کارکردی اخلاقی برای دین قایل است که به افزایش ضریب امنیتی جامعه مدد می‌رساند. او بر این باور است که جامعه اساساً پدیده‌ای اخلاقی است و برای حفظ وحدت و همگونی تابع نوعی وجدان مشترک اجتماعی است (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۲). پیتر برگر نیز همانند بسیاری از جامعه‌شناسان اعتقاد دارد که هستی واقعاً آشفته است. راهی مشخص برای پیش‌بینی عملکرد نیروهای طبیعی وجود ندارد و در مورد پیش‌بینی رفتار انسان‌ها وضعیت از این هم بدتر است. مذهب با فراهم آوردن یک چتر مقدس یعنی احساس امنیت در این جهان، که در باورها و تجارب مقدس ریشه دارد، به افراد جامعه احساس آرامش می‌بخشد و وضعیت نامتعادل موجود را تا اندازه‌ای بهبود می‌بخشد (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۲۹). جامعه برخوردار از امنیت جامعه‌ای گرم است که از روی مهر و محبت اداره می‌شود. حاکمان و زمامداران می‌توانند با بهره‌گیری از عنصر مهر و محبت مردم را به پیروی از قانون متقاعد نمایند. دین در ابعاد اعتقادی، رفتاری و مناسکی خود در جهت تنظیم روابط و مناسبات اجتماعی، که مقوم هویت امنیت فردی و جامعه‌ای هستند، از پتانسیل بالایی برخوردار است و از حیث ارتباط نزدیکی که بین امنیت جامعه‌ای و انتظامی وجود دارد، دین و آموزه‌های نظری و عملی آن می‌توانند در تحقق و شکل‌گیری امنیت انتظامی مؤثر و

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵)

پایدار صاحب نقش و سهم باشند که در بخش طرح عوامل مقوم و فرساینده امنیت به آنها اشاره می‌شود. مقوله دین با آموزه تأمین سعادت و اعتلای جنس بشر، که از سوی رهبرانی فارغ از دغدغه و منفعت شخصی تبلیغ می‌شود، با برخورداری از قابلیت ایجاد سازوکار کنترل درونی در افراد و بازداشتن آنان از گرایش به رفتارهای منفی، امنیت - این نیاز مبرم همگانی - را به ارمغان می‌آورد (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۱۱).

امنیت اجتماعی (جامعه‌ای)، که معطوف به حفظ و تداوم هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه در شرایط متغیر و متحول اجتماعی است، بیش از هر چیز نیازمند وجود روابط گرم و کارآ در بین اعضای جامعه است که تحمل و مدارای اجتماعی، انسجام و وفاق اجتماعی و درنهایت، نظم اجتماعی پویا را ممکن می‌سازد. امنیت اجتماعی مبنای قضاوت در مورد میزان وجود امنیت، به مفهوم کلی، در جامعه بوده و توانایی دولت‌ها با آن سنجیده می‌شود. به اعتباری، امنیت اجتماعی را می‌توان در طبقه‌بندی و سلسله‌مراتب امنیت در طبقات پایین قرارداد. امنیت اجتماعی زیربنای امنیت ملی محسوب می‌شود به گونه‌ای که ابتدایی‌ترین وظایف دولت‌ها، برقراری امنیت اجتماعی است (ربیعی، ۱۳۸۴: ۱۵۰). در نتیجه، امنیت به معنای برقراری و حفظ شرایطی است که در آن نیل به اهداف و مطلوب‌های اجتماعی بدون هر نوع تهدید و هراس باشد. امنیت به‌عنوان محصول تعامل ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سرانجام طبیعی طرح می‌گردد. امنیت اجتماعی مفهومی است که حوزه تعریف آن با مفاهیمی چون نظم اجتماعی و تعادل اجتماعی آن‌چنان درهم آمیخته که برخی را اعتقاد بر آن است که امنیت اجتماعی همان نظم یا همبستگی اجتماعی است (امیری، ۱۳۸۷: ۸۲).

امام صادق (ع) می‌فرمود: خدای عزوجل فرموده است «هر کس بنده مؤمن مرا بیازارد به من اعلان جنگ می‌دهد» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۶۰۲-۶۰۴). اصل توحید موجد نوعی آرامش و اطمینان است که مطابق نظریات جدید و پیش‌رفته امنیتی جوهره امنیت واقعی به‌شمار می‌آید. به همین دلیل، ایمان و ایمنی در منطق الهی توأمانند. کسانی که به یکتایی خدا در تدبیر جهان ایمان آورده و ایمانشان را با هیچ ستمی نپوشانده و بی‌اثر نکرده‌اند آنانند که ایمنی دارند و آنان هدایت یافتگانند^۲. در آیه دیگری

۱- الکافی، ج ۲، ص ۳۵۰.

۳. انعام، آیه ۸۲.

خداوند ایمنی را جزای ایمان دانسته است. امنیت واقعی وعده الهی برای کسانی است که مؤمن حقیقی هستند و البته در وعده الهی هیچ تخلفی نیست^۴ (افتخاری، ۱۳۸۷). ایمان نسبت به امنیت همانند علت نسبت به معلول است. بدین معنا که یکی از علل هستی امنیت فرد یا جامعه وجود ایمان است. اگر جامعه ایمان داشته باشد امنیت نیز در آن جامعه به وجود می‌آید. بنابراین، در هرجایی ایمان باشد امنیت نیز خواهد بود و ایمان علت وجود امنیت است و اگر ایمان نباشد دستیابی به امنیت نیاز به علتی دیگر دارد که بتواند همانند ایمان امنیت را حاصل کند (شریعتمدار جزایری، ۱۳۸۷).

در فرهنگ اسلامی ایمان هم پایه امنیت است و هم هدف آن. ایمان پایه امنیت است از این جهت که امنیت اصلی، واقعی و حقیقی در گرو ایمان است. ایمان هدف امنیت است زیرا برخی از انواع و سطوح امنیت ابزار ایمان تلقی می‌شود. زیرا زمینه‌ساز ایمان به خدا است. اگر امنیت نباشد بندگان خدا نمی‌توانند خدا را عبادت کنند. امنیت گسترش‌دهنده ایمان به خدا است. آنجاکه ابزارهای امنیت‌ساز موانع توجه مردم به خداوند متعال را از سر راه مردم برمی‌دارند به گسترش و تقویت ایمان مدد می‌رسانند (لک‌زایی، ۱۳۸۷). پس در مقیاس فردی ایمان مستحکم مولد امنیت است آن‌چنان‌که عنوان شده است «براساس این آیه شریفه ایمان تولیدکننده امنیت پایدار است. مشروط بر این‌که مرزهای آن توسط ظلم و ستم مورد تعدی قرار نگیرد. زیرا گناه و جرایم ویران‌کننده و زوال‌بخش مرزهای امنیت پایدار هستند» (ترابی و گودرزی، ۱۳۸۳: ۳۸).

امنیت فردی از دو بستر درونی و بیرونی سرچشمه می‌گیرد. بستر درونی امنیت معطوف به ایمان به خداوند و آگاهی از خویشتن است که از آن تحت عنوان امنیت هستی‌شناختی نیز یاد شده است و بستر بیرونی معطوف به جهان خارج و فضای اجتماعی و به تعبیری فرهنگ است که با تمرکز بر مجموعه هنجارها و قوانین و درجه تعهد جمعی و فردی به اجرای آنها و نیز توان و امکانات سازمان‌های رسمی و غیررسمی متولی امنیت فراهم می‌شود تا جامعه قادر به نیل به اهداف و کمال مطلوب‌های اصلی خود شود که در معنای عام خود از آن تحت عنوان امنیت عمومی یاد می‌شود. ابن‌خلدون معتقد است که دین در بین نیروها وحدت می‌آفریند، رقابت‌ها و حسادت‌ها را از بین می‌برد و به افراد

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵)

روحیه ایثار می‌بخشد. به اعتقاد وی این روحیه به افزایش مشارکت و ایجاد دولت‌های بزرگ می‌انجامد. او خاطر نشان می‌کند چنانچه باورهای مذهبی به دلیل تجمل‌پرستی و... به رکود گراید وحدت اجتماعی متزلزل می‌شود. ابن‌خلدون با بهره‌گیری از مفهوم عصبیت به تحلیل تغییر و تحولات در سطح کلان و در درون اجتماع پرداخته است. جان‌مایه اندیشه ابن‌خلدون در بحث از عصبیت عبارت از توضیح‌دادن نوع رابطه انسان با گروه اجتماعی (قبیله) است که او منشأ آن را در درون انسان جست‌وجو می‌کند. به نظر او پیوند خویشاوندی و وابستگی به یکدیگر در طبایع بشر وجود دارد هر چند که از یک نسب و دودمان نباشد. به زعم وی علاوه بر خویشاوندی ممکن است هم‌سوگندی (حلف)، هم‌پیمانی (ولاء) و مذهب نیز عامل پیوند بین عضو و گروه اجتماعی (قبیله) باشد. دین موجب می‌شود مردم یکدیگر را بیشتر بشناسند و از ارتباط بیشتری با یکدیگر برخوردار باشند. افراد مذهبی به‌طور مدام در افزایش سرمایه اجتماعی فعال هستند. آموزه‌های مذهبی منابع قدرتمندی از تعهد و انگیزه هستند. اگر موجود انسانی معتقد باشد که توسط یک نیروی الهی هدایت می‌شود حاضر به فداکاری است. به‌طور کلی، درگیری‌های مذهبی، اهمیت زیادی در گروه‌های مدنی دارد. به نظر رابرت و وتنو در آمریکا کلیساری در آیین پروتستان موجب ایجاد انواعی از شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و روابطی می‌شود که به افراد و اجتماعات کمک می‌کند که به اهداف مهم دست‌یابند. کارهای داوطلبانه، فعالیت مدنی و مشارکت سیاسی را تقویت می‌کند اما همین عضویت در کلیساهای اونجلیک این آثار را ندارد (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۲۶۷).

در نظر گیدنز یکی از عوامل مهم اعتمادساز در جوامع پیش از مدرن دین است. وی خاطر نشان می‌کند که خدای مسیحیت به ما یاد می‌دهد که به من اعتماد کنید زیرا من تنها خدای راستین هستم. به باور گیدنز دین وسیله سازمان‌دهنده اعتماد به چند شیوه است. نه تنها خدایان و نیروهای مذهبی حمایت‌های قابل اتکای مثبتی را برای مؤمنان فراهم می‌سازند بلکه کارگزاران مذهبی نیز این حمایت‌های قابل اتکا را فراهم می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۳۳-۱۱۹). دومین جزء ساختار در نظریه ساختاربنندی گیدنز منابع هستند که می‌توانند هم منابع مادی مانند وسایل ارتباط جمعی باشند و هم منابع اقتداری مانند سرمایه فرهنگی (گیدنز، ۱۹۹۹؛ به نقل از موحد و همت، ۱۳۹۲: ۶۶). افراد در جریان کنش‌های خود با توسل به قواعد-آموزه‌های دینی و نگرش به حجاب-

و منابع - رسانه‌های جمعی و سرمایه فرهنگی - به احساس امنیت و عدم احساس امنیت دست می‌یابند. برای مثال، فناوری داده‌ها امروزه نقش مهمی در زندگی انسان‌ها دارند تا جایی که شاهد شکل‌گیری سبک زندگی مجازی و محوریت آن رسانه‌ها در زندگی بسیاری از انسان‌ها هستیم. این رسانه‌ها شامل فناوری‌های رایانه‌ای، نظام پایگاه داده‌ها، داده‌های کاربردی متفاوت، ارتباطات و دیگر نظام‌های جمع‌آوری داده‌ها، ساخت و کاربرد آنها می‌باشند (همان) که باعث جدایی زمان و مکان -از جاکندگی- و شکل‌گیری تجارب با واسطه در افراد شده‌اند. در نتیجه این امر تعاملات رودررو در سبک‌های زندگی گوناگون افراد به کمترین حد رسیده است و شرایطی پیش آمده است که در آن مردم درک محدود و تسلط اندکی بر شرایط و فرایندهای مؤثر بر زندگی خود دارند (Dikenz, 1998؛ به نقل از موحد و همت، همان). از این رو، در سبک‌های زندگی مدرن مبتنی بر وسایل ارتباط جمعی نوین ترس و بی‌اعتمادی، شک و تردید، اضطراب، استرس و عدم احساس امنیت اجتماعی در تعاملات اجتماعی بسیار روبه‌فزونی است. این احساس اضطراب و تنش دائم ناشی از حوزه فرهنگ خطرپذیر عصر جدید است که به‌طور کلی همراه با بی‌قراری است. این اضطراب و بی‌قراری ممکن است به‌ویژه در جریان رویدادهایی که کیفیتی سرنوشت ساز دارند آشکار گردد (گیدنز، ۱۹۸۹، به نقل از موحد و همت، ۱۳۹۲: ۶۷). دنیای مدرن، که مبتنی بر باورهای سکولار و مادی‌گرایی می‌باشد، موجب ایجاد سبک‌های نوین زندگی شده است که در آن توجه به معنویات و باورهای دینی کاهش می‌یابد. در زندگی دنیای قدیم و سنتی بخت، سرنوشت و تقدیر آینده رقم زده شده را برای افراد ترسیم کرده بود. بر این اساس، در گذشته مردم به واسطه پایبندی به باورهای مذهبی و از سوی دیگر، به واسطه باور به وجود کسی که اعمال و رفتارهای انسان را می‌بیند و در مواقع رنج و مشکلات به یاریش می‌شتابد یعنی داشتن یک تکیه-گاه برای رفع مشکلات و سردرگمی‌ها، احساس امنیت بالایی داشته و نگرانی در آنها کمتر وجود داشته است. ولی در سبک جدید زندگی شاهد کنار گذاشتن نگرش تقدیرگرایانه و انقباض روزافزون مذهب و باورهای مذهبی هستیم که منجر به بی-اعتمادی و احساس ترس دائمی می‌شود (موحد و همت، ۱۳۹۲: ۶۷).

وقتی سخن از احساس ناامنی و پیوند آن با عملکرد رسانه می‌رود مقصود ما این است که محتوای رسانه پس از پخش بتواند احساس رضایت خاطر، ایمنی، اعتماد،

برآورده شدن انتظارات و نیازها و دلگرمی را برای مخاطب به همراه آورد و احساس ناامنی آن است که محتوای رسانه پس از پخش احساس ترس، اضطراب، بی‌ثباتی، اغتشاش ذهنی و... را در مخاطب ایجاد کند. زمانی که اخباری پیرامون اغتشاش، خشونت، ستیز و رفتار ضداجتماعی در مطبوعات انتشار یافته و یا در تلویزیون به نمایش گذاشته می‌شود موجب ناامنی روانی می‌شود. به عبارتی، این اخبار در مخاطب از این که در دنیایی پر آشوب زندگی می‌کند ایجاد بدبینی و ترس می‌کند و همین ناامنی روانی در فعالیت‌ها یا حیات اجتماعی نوعی اختلال و بی‌اعتمادی ناشی از انتقال حالات روانی به حیات اجتماعی را به همراه دارد. یعنی افراد با بی‌اعتمادی و اضطراب در حیات اجتماعی ظاهر می‌گردند و همین امر نابسامانی اجتماعی و ناامنی اجتماعی را به همراه دارد و نسبت به تخلفات حق فردی بی‌توجهی به ضوابط و قانون یا بزهکاری را افزایش می‌دهد. تبلیغات مکرر و گسترده برای پوشش اخبار جرم و جنایت ممکن است شخص احتمال قربانی جرم شدن خود را بیش از حد متعارف برآورد نماید (ویس‌الله‌وند، ۱۳۸۴: ۲۱۶). به هر حال، نمایش پیوسته بی‌نظمی‌ها از طریق رسانه نسبت به رسانه بدبینی پدیدمی‌آورد چراکه افراد با روشن کردن تلویزیون و رادیو و مواجه شدن با سیل اخبار، مطالب، تصاویر و مجموعه‌های رادیویی و تلویزیونی ناگوار می‌پندارند که در دنیایی پر آشوب زندگی می‌کنند که هر آینه ممکن است معایب و مشکلات عالم بر سرشان خراب شود. اما برداشت افراد مختلف از پخش برنامه‌های ناگوار، خشونت‌بار و... بنابر ادعای محققان به دو شیوه قابل طرح است:

۱- اول آن که پخش برنامه‌های خشونت‌آمیز تمایل به خشونت را در افراد کاهش دهد؛

۲- دوم آن که پخش برنامه‌های خشونت‌آمیز منجر به افزایش خشونت می‌گردد.

در خصوص زمینه اول یک روان‌شناس اجتماعی آمریکایی به نام فشاخ تئوری «پالایش نمادین» را طرح می‌کند و مدعی است که تماشای خشونت بر صفحه تلویزیون می‌تواند تاثیری آرام‌کننده بر خصلت پرخاشجویی ذاتی بینندگان بگذارد و در نتیجه جایگزین خشونتی شود که وجود حقیقی وی می‌خواهد بدان دست‌زند. وی معتقد است که تماشای خشونت از تلویزیون ممکن است به منزله ضامن یا دریچه اطمینانی، شقاوت‌ها و پرخاشگری‌های انسان را مهار سازد. در دسته دوم، نظریه پردازان و محققان دیگری وجود دارند که معتقدند پخش برنامه‌های خشونت‌آمیز و نمایش ستیزه‌ها و رفتار

ضداجتماعی منجر به افزایش خشونت، جرم و جنایت و بزهکاری در جامعه می‌شود. افرادی چون ویلبرشرام به‌نوعی به این موضوع می‌پردازند (نقیب‌السادات، ۱۳۸۱: ۵).

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین دینداری اعتقادی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد؛
- ۲- بین دینداری مناسکی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد؛
- ۳- بین دینداری تجربی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد؛
- ۴- بین دینداری پیامدی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد؛
- ۵- بین وسایل ارتباط جمعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد؛
- ۶- بین سرمایه فرهنگی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله از نوع کمی با تکنیک پیمایشی است و در آن از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جمعیت آماری این پژوهش را تمامی افراد بالای ۱۸ سال شهر خرم‌آباد تشکیل می‌دهند. در این پژوهش حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ نفر تعیین شد. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. پس از تکمیل پرسشنامه تمام اطلاعات در رایانه ثبت شد و با استفاده از نرم‌افزار spss به تحلیل آنها پرداخته شد. برای سنجش پایایی ابزار پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفای کرونباخ شاخص‌ها تقریباً بالای ۰/۷ است که مناسب می‌باشد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیر وابسته

احساس امنیت اجتماعی: امنیت به معنی ایمن شدن، درامان بودن، بی‌بیمی و امن را که مصور امنیت است به معنای اطمینان و آرامش خاطر و خاطر جمع بودن است. مفهوم امنیت به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بودن و رضایت و در مورد افراد به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌هاست (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ۱۱۵). در این پژوهش احساس امنیت اجتماعی از مؤلفه‌هایی نظیر احساس امنیت جانی، مالی و ناموسی تشکیل شده است.

متغیر مستقل

دینداری: به معنای التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی است (سراج‌زاده، ۲۰۰۴). در این پژوهش برای سنجش میزان دینداری از مدل چندبعدی گلاک و استارک استفاده شده است که بیشترین استفاده را در پژوهش‌ها دارد. گلاک و استارک بر این باورند که در همه ادیان با وجود تفاوت‌هایی که در جزئیات آنها وجود دارد عرصه‌های مشترکی وجود دارد که دینداری در آن متجلی می‌شود. این عرصه شامل ابعاد چهارگانه مناسکی، اعتقادی، تجربی و پیامدی دینداری است. این ابعاد با گویه‌های باور به خدا، وجود شیطان، قیامت و ظهور مهدی موعود، عشق به خدا، احساس احترام به امامان، ترس از قیامت، نماز خواندن، حضور در مسجد، شرکت در مراسم مذهبی، رعایت حجاب، حرمت رباخواری، رابطه با جنس مخالف، امر به معروف، نهی از منکر و... عملیاتی شده‌اند (موحد و همت، ۱۳۹۲: ۶۹).

وسایل ارتباط جمعی: وسایل ارتباط جمعی به تمام اشکال ارتباط نوشتاری از قبیل روزنامه، مجله، کتاب، فصلنامه و ماهنامه و همه‌گونه ارتباطات بخشی از قبیل رادو، تلویزیون، سینما و... که برای عموم مردم هستند، اشاره می‌کند (moore, 2003) به نقل از موحد و همت، همان).

سرمایه فرهنگی: شامل دانش، توانایی‌ها و اندوخته‌های فرد از کالاهای فرهنگی است که باهم وضعیت فرد را در یک حوزه و زمینه می‌رساند که در این پژوهش

با استفاده از گویه‌هایی مانند مسافرت داخل و خارج از کشور، بازدید از اماکن فرهنگی، تاریخی و مذهبی، جاذبه‌های طبیعی و... عملیاتی شده است (همان).

یافته‌های پژوهش

الف) آمار توصیفی

تعداد پاسخگویان برابر با ۳۴۵ نفر و میانگین سن آنها برابر با ۳۴/۱۲ سال است. دامنه تغییرات مربوط به سن، برابر با ۵۹ سال است که بیشترین میزان آن ۷۰ سال و کمترین میزان آن ۱۵ سال می‌باشد. از بین تعداد پاسخگویان ۲۲۹ نفر مرد و ۱۱۸ نفر زن می‌باشند. بنابراین، ۶۵/۸٪ پاسخگویان مرد و ۳۴/۲٪ زن هستند. همچنین، ۳۴/۶٪ افراد پاسخگو مجرد و ۶۴/۹٪ متأهل هستند. از کل پاسخگویان حدود ۰/۹٪ بی‌سواد بوده‌اند که کمترین فراوانی با تعداد ۳ نفر را به خود اختصاص داده است و بیشترین فراوانی مربوط به افراد دارای تحصیلات دیپلم است که ۱۳۳ نفر معادل ۳۲/۳٪ می‌باشد. ۲۸/۳٪ از پاسخگویان نیز دارای مدرک فوق‌دیپلم می‌باشند.

جدول (۱): توزیع فراوانی‌های ابعاد احساس امنیت اجتماعی

ردیف	متغیر	تعداد پاسخگویان	میانگین
۱	احساس امنیت جانی	۳۰۰	۱۶/۵۵
۲	احساس امنیت مالی	۳۲۰	۱۵/۸۰
۳	احساس امنیت ناموسی	۳۱۴	۱۴/۲۳

باتوجه به جدول بالا و نحوه نمره‌دهی متغیرهای وابسته پژوهش می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که میزان احساس امنیت جانی و مالی بیش از حد متوسط و میزان امنیت ناموسی کمتر از حد متوسط است.

ب) آمار استنباطی

تحلیل دو متغیره

جدول زیر همبستگی دوجه‌دوی متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش را نشان می‌دهد. نتایج همبستگی به شکل زیر است:

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵)

جدول (۲): نتایج آزمون همبستگی دو متغیره بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

ردیف	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
۱	دینداری تجربی	۰/۰۵	۰/۱۳۵
۲	دینداری پیامدی	۰/۱۸۷	۰/۰۰۳
۳	دینداری مناسکی	۰/۱۵۰	۰/۰۴
۴	اعتقادی	۰/۱۴۱	۰/۰۳۱
۵	رسانه‌های جمعی	-۰/۱۸۲	۰/۰۰۴
۶	سرمایه فرهنگی	۰/۱۶۰	۰/۰۵۰

همان‌گونه که نتایج جدول همبستگی دو متغیره بالا نشان می‌دهد تمام متغیرهای پژوهش به جز متغیر دینداری تجربی با متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی دارای رابطه معناداری است. نتایج این جدول نشان می‌دهد به جز متغیر رسانه جمعی تمام متغیرهای دارای رابطه معنادار با متغیر وابسته دارای رابطه مستقیمی با متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی هستند. این بدین معناست که با افزایش یا کاهش ابعاد معنادار متغیر دینداری (اعتقادی، مناسکی، پیامدی) و سرمایه فرهنگی می‌توان انتظار داشت که متغیر وابسته پژوهش (احساس امنیت اجتماعی) نیز افزایش یا کاهش یابد. اما متغیر رسانه‌های جمعی دارای رابطه معکوس و غیرمستقیمی با متغیر احساس امنیت اجتماعی است.

جدول (۳): نتایج آزمون t بر حسب جنسیت

متغیر (جنس)	فراوانی	میانگین	اختلاف میانگین	مقدار T	سطح معناداری
مرد	۲۲۹	۵۳/۶۸	۴/۶۲	۳/۴	۰/۰۰۲
زن	۱۱۸	۴۹/۰۶			

نتایج آزمون t جدول بالا به مقایسه میانگین متغیر احساس امنیت اجتماعی در بین زنان و مردان جمعیت آماری می‌پردازد. همان‌گونه که نتایج این جدول نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان وجود دارد. این بدین معناست که میزان احساس امنیت مردان بیشتر از زنان است.

جدول (۴): نتایج آزمون همبستگی دو متغیره بر حسب تحصیلات و احساس امنیت اجتماعی

ردیف	متغیر	اسپیرمن	معناداری
۱	احساس امنیت اجتماعی تحصیلات	۰/۰۵۵	۰/۵۴

جدول بالا ارتباط بین سطح تحصیلات پاسخگویان و احساس امنیت اجتماعی را با استفاده از آزمون اسپیرمن نشان می‌دهد. جدول بالا بیانگر این امر است که بین سطح تحصیلات پاسخگویان و احساس امنیت اجتماعی افراد رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، تفاوت معناداری بین احساس امنیت اجتماعی افراد دارای تحصیلات بالا و افراد دارای تحصیلات پایین وجود ندارد.

جدول (۵): نتایج آزمون f بر حسب وضعیت تأهل

نام متغیر	Sum of squares	درجه آزادی	میانگین	f	معناداری
وضعیت تأهل	درون گروهی	۳	۲۱/۳۶	۰/۳۲	۰/۸۱
	بین گروهی	۲۰۸	۶۲/۳۵		

نتایج این جدول به مقایسه وضعیت احساس امنیت در بر حسب وضعیت تأهل افراد می‌پردازد. همان گونه که این نتایج نشان می‌دهد تفاوت معناداری به لحاظ احساس امنیت اجتماعی بین افراد مجرد، متأهل، مطلقه یا همسر فوت شده وجود ندارد.

جدول (۶): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سن و احساس امنیت

نام متغیر	تعداد	ضریب پیرسون	سطح معناداری
سن احساس امنیت اجتماعی	۳۳۴	۰/۵۰۰	۰/۷۴

چنان که جدول بالا نشان می‌دهد بین متغیر زمینه‌ای سن افراد و احساس امنیت رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. به عبارت دیگر، با بالا رفتن سن تغییری در میزان احساس امنیت اجتماعی افراد به وجود نمی‌آید.

تحلیل رگرسیون چندمتغیره

جدول (۷): خروجی جدول تحلیل رگرسیون

ردیف	متغیر	Beta	T	Sig	R2
۱	دینداری پیامدی	۰/۲۷	۳/۲۱	۰/۰۵۰	۰/۲۷
۲	دینداری مناسکی	۰/۱۰	۰/۱۱	۰/۱۸	
۳	اعتقادی	۰/۴۴	۴/۰۸	۰/۰۰۳	
۴	رسانه‌های جمعی	-۰/۱۲	-۱/۷۳	۰/۱۰۴	
۵	سرمایه فرهنگی	۰/۴۱	۳/۹۵	۰/۰۳۲	

جدول بالا نشان می‌دهد نقش متغیرهای مستقل در تبیین احساس امنیت اجتماعی ۲۷٪ است و ۷۳٪ باقیمانده باید توسط متغیرهایی خارج از مدل این پژوهش تبیین شود.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵)

از میان متغیرهای مستقل پژوهش متغیر رسانه جمعی دارای بیشترین تأثیر بر متغیر احساس امنیت اجتماعی و متغیر جنسیت نیز دارای کمترین میزان تأثیر بر متغیر وابسته پژوهش است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بر آن بودیم تا به مطالعه رابطه عوامل فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر خرم‌آباد بپردازیم. احساس امنیت اجتماعی را با مؤلفه احساس امنیت مالی، جانی و ناموسی سنجیدیم. از سویی، عوامل فرهنگی را نیز دارای شاخص‌هایی همچون دینداری (اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی)، رسانه‌های ارتباط جمعی و سرمایه فرهنگی در نظر گرفتیم. نتایج پژوهش نشان داد میزان احساس امنیت مالی و احساس امنیت جانی بیش از حد متوسط و احساس امنیت ناموسی کمتر از حد متوسط می‌باشد. تعداد پاسخگویان برابر با ۳۴۵ نفر و میانگین سن آنها برابر با ۳۴/۱۲ سال است. دامنه تغییرات مربوطه سن برابر با ۵۹ سال است که بیشترین میزان آن ۷۰ سال و کمترین میزان آن ۱۵ سال می‌باشد. از بین تعداد پاسخگویان ۲۲۹ نفر مرد و ۱۱۸ نفر زن می‌باشند. بنابراین، ۶۵/۸٪ پاسخگویان مرد و ۳۴/۲٪ زن هستند. همچنین، ۳۴/۶٪ افراد پاسخگو مجرد و ۶۴/۹٪ متأهل هستند. از کل پاسخگویان حدود ۰/۹٪ بی-سواد بوده‌اند که کمترین فراوانی با تعداد ۳ نفر را به خود اختصاص داده‌است و بیشترین فراوانی مربوطه افراد دارای تحصیلات دیپلم است که ۱۳۳ نفر معادل ۳۲/۳٪ می‌باشد. همچنین، ۲۸/۳٪ از پاسخگویان دارای مدرک فوق‌دیپلم می‌باشند.

نتایج آمار استنباطی نشان داد تمام متغیرهای پژوهش به‌جز متغیر دینداری تجربی دارای رابطه معناداری با متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی است. از طرف دیگر، نتایج این جدول نشان می‌دهد که به‌جز متغیر رسانه جمعی تمام متغیرهای دارای رابطه معنادار با متغیر وابسته رابطه مستقیمی با متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی دارند. این بدین معناست که با افزایش یا کاهش ابعاد معنادار متغیر دینداری (اعتقادی، مناسکی، پیامدی) و سرمایه فرهنگی می‌توان انتظار داشت که متغیر وابسته پژوهش (احساس امنیت اجتماعی) نیز افزایش یا کاهش یابد اما متغیر رسانه‌های جمعی دارای رابطه معکوس و غیرمستقیمی با متغیر احساس امنیت اجتماعی است. این نتایج

نشان می‌دهد نهاد دین در تولید و تأمین احساس امنیت اجتماعی نقش مهمی دارد. نتایج این پژوهش نتایج تحقیق موحد و همت (۱۳۹۲) را تأیید می‌کند. همچنین، نتایج این پژوهش با تحقیقی که افشانی و دیگران (۱۳۹۲) در خصوص رابطه بین دینداری و احساس امنیت اجتماعی انجام داده‌اند همسو بوده و در این پژوهش نقش ابعاد دینداری در احساس امنیت نیز تأیید شده است. در این پژوهش نیز ابعاد متخلف دینداری دارای رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی می‌باشد. براساس نظریه دورکیم و وبر می‌توان چنین گفت که مذهب باعث نهادینه‌شدن ارزش‌ها می‌شود و ارزش‌های نهادینه‌شده، نظم اجتماعی را شکل می‌دهند. نظم اجتماعی نیز باعث برقراری امنیت می‌شود (پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۱: ۳).

از نظر دورکیم خصلت و خاصیت اصلی دین ایجاد وفاق یا همبستگی اجتماعی از راه باورهای دینی مشترک و نیز اعمال دینی مشترک است. دین کاملاً خصلتی جمعی و اجتماعی دارد و یک امر صرفاً فردی یا شخصی نیست (دورکیم، ۱۳۸۳: ۶۳). ابن‌خلدون معتقد است دین در بین نیروها وحدت می‌آفریند، رقابت‌ها و حسادت‌ها را از بین می‌برد و به افراد روحیه ایثار می‌بخشد. به اعتقاد وی، این روحیه به افزایش مشارکت و ایجاد دولت‌های بزرگ می‌انجامد. او خاطر نشان می‌کند چنانچه باورهای مذهبی به دلیل تجمل‌پرستی و... به رکود گراید وحدت اجتماعی متزلزل می‌شود (غفاری، ۱۳۹۰: ۲۵۹). ریمون آرون در مورد مایه بنیادی اندیشه توکویل می‌گوید در جامعه‌ای مساوات طلب که خود می‌خواهد بر امور خویش حکومت کند به انضباط اخلاقی، که در وجدان افراد رسوخ یافته باشد، نیاز است. اعضای جامعه باید در گنه وجود خویش از انضباطی پیروی کنند که فقط ناشی از ترس آنان از مجازات نباشد. به اعتقاد توکویل آن ایمانی که بهتر از هر چیزی دیگر این انضباط اخلاقی را در افراد پدید خواهد آورد ایمان مذهبی است (همان). به هر حال، مذهب با تشویق اعضایش به عبادت یا گذراندن وقتشان با اعضای خانواده و یادگرفتن درس‌های اخلاقی، که در سنت دین موجود است، اثر سودمندی بر جامعه مدنی دارد. سازمان‌های مبتنی بر اعتقادات مذهبی به زندگی مدنی چه به‌طور مستقیم با ارایه خدمات اجتماعی به جامعه وسیع‌تر و حمایت اجتماعی از اعضا و چه به‌طور غیرمستقیم با پرورش مهارت‌های مدنی، تلقین ارزش‌های اخلاقی، تشویق دگرخواهی و نوع‌دوستی و تسهیل استخدام اعضای کلیسا در مشاغل مدنی

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵)

خدمت می‌کنند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۳۸). پارسونز نیز معتقد است به‌دلیل وجود نهادهایی مانند مذهب، که حافظ ارزش‌هاست و افراد را به وفاداری به ارزش‌ها ترغیب می‌کند، و نیز به‌دلیل وجود اشکال سازمان‌یافته‌ای مانند خانواده و نظام‌های تعلیم و تربیت، که ارزش‌های استقراریافته را به اعضای جدید جامعه القاء می‌کنند، در هر جامعه ارزش‌ها رو به سوی ثبات دارند. ارزش‌های ثابت و منظم نیز احساس آرامش و امنیت اجتماعی را دربر خواهد داشت (ذاکری ماهانه، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

نتایج جدول خروجی رگرسیون نیز نشان‌داد که نقش متغیرهای مستقل در تبیین احساس امنیت اجتماعی ۲۷٪ بوده و ۷۳٪ باقیمانده باید توسط متغیرهایی خارج از مدل این پژوهش تبیین شود. از میان متغیرهای مستقل پژوهش متغیر دینداری اعتقادی دارای بیشترین تأثیر بر متغیر احساس امنیت اجتماعی و متغیر دینداری مناسکی نیز دارای کمترین میزان تأثیر بر متغیر وابسته پژوهش است. متغیر رسانه‌های جمعی بر متغیر احساس امنیت اجتماعی تأثیری نداشت. این امر نشان می‌دهد که هنوز باورهای دینی در شهر خرم‌آباد دارای تأثیر و اهمیت خاصی در زندگی افراد می‌باشد و رسانه‌های جمعی نوین فعلاً نتوانسته‌است خللی در کاهش احساس امنیت اجتماعی داشته‌باشد که این امر نشان‌دهنده اهمیت دین و باورهای دینی در جامعه آشفته امروز است.

دورکیم عامل تشدید بحران در جوامع امروزی و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، که آرامش و امنیت عمومی را مورد تهدید قرار می‌دهند، را در این امر می‌داند که در مرحله گذار به تدریج از اخلاق و هنجارهای دینی اخلاق مدار فاصله می‌گیرند و به‌جای آن چیزی جایگزین نمی‌شود. در نتیجه، در جامعه کنونی به موازات کاهش و ضعف همبستگی فردیت تقویت می‌گردد و به‌صورت اصل پیش‌برنده زندگی اجتماعی در می‌آید. افراد از هم متمایز می‌شوند و این تفاوت را احساس می‌کنند و در نتیجه، هرکس مایل است آنچه را که حق خود می‌داند به‌دست آورد. در چنین شرایطی رابطه فرد با گروه دگرگون شده و زیاده‌طلبی او و دست‌نیافتن به آنچه را که طلب می‌کند او را به عصبان و سرکشی می‌کشاند (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۳۳). در نظر امیل دورکیم در تحلیل نهایی پایه هر نظام اجتماعی را عاطفه تشکیل می‌دهد. زیرا تنها در این صورت اگر فرد میل به وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته را در نظام شخصیتی خود کسب کرده باشد همه انسان‌ها را از خود می‌داند و در قبال همه احساس تعهد و تکلیف می‌کند و همگان در

تعریف او از دوستی جای می‌گیرند. به همین جهت، تحقق یک نظم اجتماعی کاملاً عقلانی، آن‌گونه که ماکس وبر می‌اندیشید، قابل تصور نیست (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۰۲). دورکیم در حوزه اجتماعی کارکردی اخلاقی برای دین قائل است که به افزایش ضریب امنیتی جامعه مدد می‌رساند. او بر این باور است که جامعه اساساً پدیده‌ای اخلاقی است و برای حفظ وحدت و همگونی تابع نوعی وجدان مشترک اجتماعی است (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۳). پیتز برگر نیز همانند بسیاری از جامعه‌شناسان اعتقاد دارد که هستی واقعاً آشفته است. راهی مشخص برای پیش‌بینی عملکرد نیروهای طبیعی وجود ندارد و در مورد پیش‌بینی رفتار انسان‌ها وضعیت از این هم بدتر است. مذهب با فراهم آوردن یک چتر مقدس یعنی احساس امنیت در این جهان، که در باورها و تجارب مقدس ریشه دارد، به افراد جامعه احساس آرامش می‌بخشد و وضعیت نامتعادل موجود را تا اندازه‌ای بهبود می‌بخشد (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۲۹). جامعه برخوردار از امنیت جامعه‌ای گرم است که از روی مهر و محبت اداره شود. حاکمان و زمامداران می‌توانند با بهره‌گیری از عنصر مهر و محبت مردم را به پیروی از قانون متقاعد کنند. نتایج این پژوهش بیان‌کننده این امر است که نقش دین و باورهای دینی و مذهبی هنوز هم کارکردهای ویژه‌ای در شهر خرم‌آباد دارد و هنوز هم مایه آرامش و امنیت افراد این منطقه می‌باشد.

پیشنهادها

- باور مذهبی به‌عنوان عامل مهم تقویت میل به اعتماد مطرح شده است. احساس حمایت و امنیت ممکن است ریشه در منابع ماوراءالطبیعی^۵ مترتب بر ایمان داشته باشند. اتحاد مردم با اجتماع‌های مذهبی نظیر عضویت در شبکه‌های قوی و خانواده‌های خوش‌بنیه برای آنها نوعی احساس ریشه‌دار بودن، همبستگی و حمایت متقابل به‌وجود می‌آورد؛
- بهره‌گیری مناسب و بهینه از مراکز و نهادهای مذهبی چون مساجد و تکایای دینی که نقش قابل توجهی را در حفظ و تقویت تعاملات اجتماعی و گرم جامعه دارند؛
- رواداری دینی و دوری از تعصبات فرقه‌ای؛

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵)

- آرایه برنامه‌های مذهبی و دینی بر محوریت مساجد؛
- استفاده از ظرفیت صداوسیما استان برای تولید و پخش برنامه‌هایی با محتوای مذهبی و دینی به‌منظور ایجاد حس آرامش و امنیت اجتماعی و روانی افراد جامعه؛
- تقویت حمایت مادی و معنوی تشکل‌های مردم‌نهاد و مؤسسه‌های خیریه مرتبط با حوزه دین و امور معنوی؛
- آگاهی‌بخشی نهادی به‌ویژه در سطح خانواده برای ارتقای فرهنگ دینی؛
- ترویج فرهنگ و فرهنگ‌سازی در امور بازدید از اماکن تاریخی و هنری؛
- تقویت همکاری پلیس با امور مساجد و تکایا و آرایه همکاری‌های دینی - فرهنگی؛
- تشویق به همدلی و مشارکت در امور مذهبی و خیریه؛
- پخش فیلم‌های تلویزیونی مذهبی با همکاری مساجد؛
- افزایش مشارکت‌های مدنی و مذهبی با نهادهای مردمی از طریق نهادهای دولتی؛
- ترویج اخلاق مدنی و مذهبی افراد جامعه؛
- تلاش در حفظ و نشر آداب و رسوم فرهنگی محلی؛
- ترویج هویت ملی، مذهبی و فرهنگی منطقه؛
- استفاده صحیح از رسانه‌های جمعی و آموزش استفاده درست از شبکه‌های اجتماعی مجازی با هدف تحکیم فرهنگ دینی و باورهای ارزشی منطقه.

منابع

- اینگلهارت، رونالد؛ پیپا، نوریس (۱۳۸۷)، مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، امنیت در اسلام (اقتراح)، فصلنامه علوم سیاسی.
- امیری، عبدالرضا (۱۳۸۷)، بحران‌های طبیعی و نظم و امنیت اجتماعی، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، پژوهشکده امنیتی انتظامی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: سلام.
- پوراحمد، احمد و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین دینداری و احساس امنیت اجتماعی در فضاهای شهری و روستایی شهرستان کوهدشت، پژوهش‌های راهبردی نظم و امنیت اجتماعی، سال اول، شماره ۱.
- ترابی، یوسف؛ گودرزی، آیت (۱۳۸۳)، ارزش‌ها و امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، شماره ۲، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵)، سیره نبوی دفتر دوم: سیره اجتماعی، تهران: انتشارات دریا.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، صور بنیادی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- ربیعی، علی (۱۳۸۴)، مطالعات امنیت ملی، مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- روی، پل (۱۳۸۲)، معمای امنیت اجتماعی، ترجمه منیژه نویدنیا، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۶ (۳)، ص ۶۸۵ - ۷۰۸.
- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی شهری: جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسانی، مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.
- ذاکری ماهانه، راضیه (۱۳۹۰)، بررسی میزان احساس امنیت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر یزد، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد.
- سراج‌زاده، حسین؛ شریعتی، سارا؛ صابر، سیروس (۱۳۸۳)، بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، زمستان.

- پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵)
- شریعتمدار جزایری، نورالدین (۱۳۸۷)، امنیت در اسلام (اقتراح)، فصلنامه علوم سیاسی.
 - عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷)، امنیت، مشارکت، مدارای دینی، فصلنامه مطالعات اجتماعی امنیت، شماره ۱۴، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
 - گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، پیامدهای مدرنیت، تهران: نشر مرکز.
 - صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۵)، حاشیه‌نشینی و امنیت، مقالات ارایه‌شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، ج ۲، تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، ص ۱۱۵.
 - غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: جامعه‌شناسان.
 - مختاری، مریم؛ بلالی، اسماعیل؛ میرفردی، اصغر؛ حسینی اخگر، سیده معصومه (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱.
 - مؤذن‌جامی، محمدهادی (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر امنیت و مؤلفه‌های آن، مجموعه مقالات امنیت عمومی و پلیس، ج ۲، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
 - موحد، مجید؛ همت، صغری (۱۳۹۲)، مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان، فصلنامه زن و جامعه، سال چهارم، شماره ۲، تابستان.
 - نجیبی ربیعی، مریم (۱۳۸۴)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان احساس امنیت با تأکید بر سرمایه، پایان‌نامه مقطع کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
 - نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹.
 - ویس‌الوند، چنگیز؛ رضایی، علی (۱۳۸۴)، ترس از جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲ و ۳.
 - Mutimer, David (2009) "Beyond Strategy: Critical Thinking and The New Security Studies" in Craiq, A. Snyder (ed) Contemporary Security and Strategy, ?